



اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»

عنوان گفتار، شیطان شناسی بر اساس آیات قرآن کریم بود. به آیه سی و چهارم در سوره مبارکه بقره رسیدیم و عرض کردیم خدای متعال در این آیه شریفه سه انحراف بزرگ شیطان را بیان می کند:

اولین انحراف بزرگ ابلیس، انحراف ابا و سرپیچی از دستور خدا بود.

دومین انحراف ابلیس، استکبار بود. تکبر ورزیدن خودبزرگ بینی. امیرالمومنین روحی فداه در خطبه قاصعه می فرمایند: «**فاحذروا عباد الله عدو الله ان یعدیکم بدائه**» مردم بترسید از این که دشمن خدا یعنی شیطان و ابلیس اون بیماری تکبر خودش رو و اون مرض استکبار خودش رو به شما انتقال بدهد. این بیماری مسریه. شیطان دنبال این است که شما رو هم مثل خودش مستکبر کنه. این تکبر رو در دل شما ایجاد کنه با وسوسه های خودش. در حقیقت با تحریک های خودش. توهماتى که در قلب و دل و روح انسان ها ایجاد می کنه انسان ها را به نخوت بکشاند، به تکبر بکشاند و انسان ها با تکبر مانند ابلیس در دره های سقوط کشیده بشن. حفص بن قیاس نقل می کنه می گوید یک روزی خدمت آقا امام صادق علیه السلام بودیم حضرت یک جمله عجیبی رو فرمودند فرمودند «من ذهب یزعم ان له على الآخر فضلا فهو من المستکبرین» می خوای بدونید که شما هم مثل شیطان دارای استکبارید یا نه؟ شما هم مثل شیطان متکبرید یا نه؟ اگر خودتون

رو در این عالم از یک نفر بالاتر بدانید متکبرید. این جمله خیلی برای ما سنگین بود من سوال کردم آقا جان چطور چنین چیزی ممکنه؟ ما گاهی نگاه می کنیم که شخصی فاجر گنهکار، فاسق اهل گناه اهل غیبت اهل تهمت اهل فحشا گناه های متعددی رو مرتکب می شه اما خودمون رو نگاه می کنیم اهل نماز اهل روزه ایم اهل حجیم اهل زکات اهل خمس هستیم چطور امکان داره که ما خودمون رو در این حال از او بالاتر ندونیم؟ حضرت فرمودند اتفاق این از وسوسه های شیطان که انسان خیال کنه پس کار تمام شد پس من بهتر از او هستم. حضرت فرمودند حفص ابن قیاس مگه ماجرای سحره فرعون رو نشنیدی. سحره فرعون در آغاز صبح دشمنان خدا بودند در مقابل ولی خدا صف کشیده بودند اما شب که شد این ها شهید در راه خدا شدند. از کجا می دونی اون انسان فاسق فاجری که گناهان زیادی مرتکب می شه عاقبت به شر از دنیا برود و از کجا مطمئنی تویی که اهل نمازی اهل روزه ای اهل خمسی اهل جهادی اهل عبادتی عاقبت به خیر از دنیا بری؟ خیلیا بودن در این عالم خوب شروع کردن اما بد تموم کردن خیلیا هم بودند بد شروع کردن اما زیبا تموم کردن. مگه جریان حر بن یزید ریاحی رو یادمون رفته اون انسانی که با سر به سمت دوزخ می رفت اون انسانی که بزرگ ترین گناهان روزگار را مرتکب شده بود اما شهید در رکاب سیدالشهدا شد به مقامی رسید که امروز اولیای الهی می رن دست روی سینه میذارن و به او سلام می دن و می گن «بابی انت و امی طبت و طابت الارض التی بها دفنت». خوش به حال اون خاکی که بدن توی حر را در بر گرفته. از کجا می دونی بالاتر از اون انسان خواهی بود و از کجا می دونی که او عاقبت به شر از دنیا خواهد رفت. این استکبار دومین انحراف بزرگ شیطان

بود. انحراف سوم شیطان که خدای متعال در این آیه کریمه به این انحراف هم اشاره می کند و کان من الکافرین. انحراف کفر.

ابوعمر زبیری در روایتی داره می گه رفتم خدمت آقا امام صادق علیه السلام پرسیدم آقا جان کفر در قرآن به چه معنایی است؟ حضرت فرمودند «**الکفر فی کتاب الله علی خمس اوجه**» ما در قرآن کریم پنج نوع کفر داریم کفر در قرآن پنج معنا داره.

اولین معنای کفر انکار قلبی است یعنی انسان با قلب خودش خدا رو یا معاد رو یا نبوت رو انکار کنه این کفر یعنی انکار قلبی. در کدام آیه، کفر به این معنا به کار رفته؟ حضرت مثال زدند «ان الذین کفروا سواء علیهم انظرتمهم ام لم تنظرهم» مراد کفر قلبی است انکار قلبی است اون سران بزرگ قریش که وارد وادی کفر شدند و قلبا خدا و معاد رو انکار کردن حضرت فرمود این آیه در مورد اون هاست. این ها دیگه انظار بشوند یا انظار نشوند ایمان نخواهند آورد. حضرت فرمودند دومین وجه کفر، انکار زبانی است. گاهی انسان ها با قلب خودشون حق رو می فهمند اما با زبان خودشون حق رو انکار می کنند. در کدام آیه کفر به این معنا به کار رفته است؟ حضرت باز از سوره مبارکه بقره مثال زدند «**فلما جائهما ما عرفوا کفروا به**» هنگامی که به اهل کتاب، کتابی از ناحیه خدا رسید قرآن رسید که این قرآن را می شناختند این قرآن را می فهمیدند نسبت به این قرآنی که قلبا می شناختند با زبان کافر شدند. انکار لسانی و زبانی. حضرت فرمودند سومین نوع کفر، کفر عملی است یعنی شما با قلبت خدا رو پذیرفتی با زبانت خدا رو پذیرفتی دستور خدا رو هم پذیرفتی اما در عمل این دستور رو ترک می کنی. حضرت فرمود این هم یک نوع کفر در قرآن است و باز در سوره مبارکه بقره کفر به همین معنا به کار رفته است «**أفتؤمنون ببعض الکتاب و تکفرون ببعض**» حضرت

فرمودند این تکفرون یعنی ترک ما امرالله. چهارمین معنای کفر حضرت فرمودند کفر نعمت است که سلیمان نبی در سوره مبارکه نمل فرمود «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» این جا به معنای کفران نعمت است یا در سوره مبارکه ابراهیم خدای متعال می فرماید «إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» خدا فرمود اگر شکر به جا بیارید نعمت ها رو زیاد می کنیم یا روح شما رو بزرگ می کنیم . پنجمین معنای کفر حضرت فرمودند کفر برائت است. کفر به معنای بیزاری که حضرت ابراهیم فرمود «کفرنا بکم» یعنی ما از شما بیزاریم . شیطان به هر پنج معنا کافر بود . هم قلبم دستور خدا را نپذیرفت هم لسانا دستور خدا را انکار کرد هم در عمل دستور خدا را امتثال نکرد هم نعمت خدا رو کفران کرد و هم از ولی خدا اظهار برائت کرد و در روز قیامت هم شیطان به اولیای خودش می گه «انی کفرت بما اشركتمونی من قبل» کسانی که در دنیا مرید من بودید من امروز از شما اظهار برائت می کنم خدای متعال همه ما رو از کفر و شئون کفر و شعب کفر محفوظ بدارد

و سلام علیکم ورحمه الله و برکاته